

عنوان مقاله:

نگرش صدرا و دکارت به علم حضوری نفس به ذات خویش

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های معرفت شناختی، دوره 10، شماره 21 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

مرضیه عبدلی مسینان - *Assistant professor of Islamic sciences department, Tehran medical sciences*

زهرا حدادی - *دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک*

خلاصه مقاله:

معرفت النفس به عنوان نخستین معرفتی که برای انسان حاصل می شود مورد توجه فیلسوفان بوده و در صدد تبیین ماهیت آن برآمده اند. این معرفت در نظام فلسفی مبنا گرای صدرا و دکارت از اهمیت ویژه برخوردار است. علم حضوری، معیار و مقیاس مطمئنی، در تطبیق این دو مکتب، جهت نیل به معرفت یقین بخش است. در این پژوهش معرفت شناختی با روش عقلی، نگرش دکارت و ملاصدرا به خودآگاهی درمباحث امکان شناخت حضوری به خود، براهین علم حضوری نفس به خویش، نسبت شهود و علم حضوری با روش کتابخانه ای گردآوری و با روش توصیفی، تحلیلی و نقدی پردازش شده و وجوه اشتراک و افتراق استخراج گردیده است. با تتبع در آثار ایشان آشکار گردید که هر دو اندیشمند با نفی شناخت استنتاجی از نفس، شهود را طریق وصول معرفت نفس به ذات خود می دانند. براساس مبانی فلسفی صدرا علم نفس به ذات خود، تنها بوسیله علم حضوری امکان پذیر است؛ اما بر اساس مبانی و روش ریاضی حاکم بر فلسفه دکارت، و عدم وقوف ایشان به تقسیم علم به حضوری و حصولی و نیز محرز نبودن باور ایشان به اصولی که لازمه علم حضوری است مانند اصالت وجود، حمل شهود بر علم حضوری در این مکتب غریب می نماید. لذا معرفت نفس به ذات خود، در این دو نظام فلسفی علی رغم وجوه اشتراک، واجد وجوه افتراق عدیده ای است.

کلمات کلیدی:

personal science, body science, The witnesses. Descarte, Sadra

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1626000>

